

تحلیل تطبیقی ترجمه سیدجعفر شهیدی و محمد دشتی از خطبه ۱۲۸ نهج البلاغه بر اساس مدل گارسس (سطوح واژگانی و سبکی)

حمیده سادات علوی^۱

چکیده

این مقاله به تحلیل تطبیقی دو ترجمه برجسته، یعنی سیدجعفر شهیدی و محمد دشتی، از خطبه ۱۲۸ نهج البلاغه بر اساس مدل کارمن والرو گارسس می‌پردازد. هدف مطالعه بررسی وفاداری به متن عربی، سبک و لحن، تصویرسازی و انتقال پیام خطبه در دو ترجمه است. چارچوب تحلیل بر اساس الگوی کارمن گارسس و در دو سطح واژگانی-معنایی و سبکی-کاربردی انجام شد. نتایج نشان می‌دهد که شهیدی با تمرکز بر وفاداری به متن، حفظ بلاغت و جزئیات ادبی و کلاسیک، تصویری رسمی و کلاسیک ارائه کرده است، در حالی که دشتی با رویکرد روان و ساده‌سازی متن، پیام خطبه را به صورت شفاف و قابل فهم برای مخاطب امروز منتقل کرده است. مطالعه تطبیقی نشان می‌دهد که هر دو ترجمه، مکمل یکدیگر بوده و درک جامع‌تری از سبک و پیام خطبه فراهم می‌کنند.

کلیدواژه‌ها: ترجمه متون دینی، خطبه ۱۲۸ نهج البلاغه، سبک‌شناسی، سطح واژگانی، سیدجعفر شهیدی، مدل کارمن گارسس، محمد دشتی.

^۱ طلبه، سطح ۲ مرکز آموزش های غیر حضوری حوزه علمیه خواهران، قم، ایران.

نهج البلاغه، مجموعه‌ای از خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌های امام علی (ع)، به عنوان یکی از گران‌قدرترین آثار ادبی و دینی جهان اسلام، به دلیل ساختار زبانی پیچیده، غنای بلاغی، و بار معنایی عمیق، جایگاه ویژه‌ای در مطالعات ترجمه متون دینی و ادبی دارد. این اثر، ریشه در زبان و فرهنگ عربی کلاسیک دارد و با بهره‌گیری از صور خیال، ریتم موزون، و نثر فصیح، چالش‌های قابل‌توجهی را برای مترجمان در انتقال به زبان‌هایی مانند فارسی ایجاد می‌کند. خطبه ۱۲۸، با محتوای پیشگویانه خود درباره حوادث بصره و نصایح اخلاقی پس از جنگ جمل، نمونه‌ای برجسته از ادبیاتی است که هم جنبه‌های حماسی و هم معنوی را در بر می‌گیرد. اهمیت ترجمه این متن در حفظ اصالت فرهنگی و معنوی آن در کنار انطباق با نیازهای مخاطب معاصر، این پژوهش را به ضرورتی علمی تبدیل کرده است.

مرور ادبیات پیشین نشان می‌دهد که پژوهش‌های متعددی در حوزه تحلیل تطبیقی ترجمه‌های نهج البلاغه با تأکید بر مدل گارسس و سطوح واژگانی و سبکی انجام شده است. متقی‌زاده و همکاران (۱۴۰۰) با تمرکز بر ترجمه‌های شهیدی و دشتی، کیفیت انتقال حکمت‌های نهج البلاغه را ارزیابی کرده و تفاوت‌های معنایی و سبکی میان این دو ترجمه را برجسته ساخته‌اند. مسبوق و همکاران (۱۳۹۴) در مطالعه‌ای جامع، تعادل واژگانی را در پنج ترجمه فارسی از خطبه‌های نهج البلاغه، شامل ترجمه‌های شهیدی و دشتی، بررسی کرده و اهمیت حفظ لایه‌های زبانی و معنایی در فرآیند ترجمه را نشان داده‌اند. رستمی و همکاران (۱۳۹۷) با رویکردی مبتنی بر دیدگاه نیومارک، روش‌شناسی ترجمه کنایات در خطبه‌های نهج البلاغه را تحلیل کرده و چالش‌های سبکی و واژگانی در انتقال مفاهیم عمیق متن را مورد توجه قرار داده‌اند. علاوه بر این، احمدی بیغش و قمرزاده (۱۴۰۰) با بررسی حسن تعبیر برگزیده نهج البلاغه بر اساس سطح دوم مدل گارسس، تفاوت‌های سبکی و تعبیری در ترجمه‌های شهیدی و دشتی را در کنار دیگر نسخه‌ها کاوش کرده و ضرورت توجه به زیبایی‌شناسی زبانی را تأکید کرده‌اند. با این حال، تحلیل تطبیقی ویژه خطبه ۱۲۸ بر اساس سطوح واژگانی-معنایی و سبکی-کاربردی مدل گارسس هنوز انجام نشده است. این خلأ پژوهشی، اهمیت مطالعه حاضر را برجسته می‌سازد، زیرا مدل گارسس ابزاری نظام‌مند برای ارزیابی کیفیت ترجمه فراهم می‌کند و می‌تواند به عنوان نمونه‌ای برای تحلیل تطبیقی ترجمه‌های متون دینی عمل نماید.

مسئله اصلی این پژوهش، عدم تعادل میان وفاداری به متن عربی و انطباق با ویژگی‌های زبانی و فرهنگی زبان مقصد است که در انتخاب واژگان (مانند "غبار"، "لجب"، یا "أجنحة")، ساختارهای بلاغی، و نیت کاربردی ترجمه‌ها نمود دارد. این تفاوت‌ها می‌توانند نگرش مترجمان به نقش متن در بافت فرهنگی و اجتماعی مخاطب را منعکس کنند. هدف این تحقیق، بررسی تطبیقی دو ترجمه برجسته از خطبه ۱۲۸، یعنی ترجمه‌های شهیدی و دشتی، بر اساس مدل گارسس است. انتخاب ترجمه‌های شهیدی و دشتی به دلیل وفاداری شهیدی به سبک کلاسیک و سادگی دشتی برای مخاطب مدرن، این امکان را فراهم می‌کند تا نگرش‌های متمایز مترجمان در این مطالعه بررسی شود. این مطالعه با تمرکز بر سطوح واژگانی-معنایی (شامل معادل‌یابی، تعادل فرهنگی، و انتقال اصطلاحات) و سبکی-کاربردی (شامل ریتم، استعاره، و لحن) انجام می‌شود تا تفاوت‌های کیفی این ترجمه‌ها را تحلیل کرده و چارچوبی برای ارتقای ترجمه متون دینی ارائه دهد. سؤال پژوهش این است: چگونه تفاوت‌های واژگانی-معنایی و سبکی-کاربردی در ترجمه‌های شهیدی و دشتی، نگرش مترجمان را به متن مبدأ، مخاطب مقصد، و کارکرد متن نشان می‌دهد؟

ساختار مقاله به صورت نظام‌مند طراحی شده و شامل بخش‌های چکیده، مقدمه، متن اصلی (شامل چارچوب نظری، روش‌شناسی، تحلیل تطبیقی، و جمع‌بندی)، نتیجه‌گیری، پیشنهادها، و فهرست منابع است. متن اصلی خطبه ۱۲۸ بر اساس ویرایش صبحی صالح مورد استفاده قرار گرفته و تحلیل‌ها با بهره‌گیری از جداول تطبیقی انجام خواهد شد. این پژوهش، با ارائه تحلیلی عمیق، نه تنها به درک چالش‌های ترجمه متون دینی کمک می‌کند، بلکه راهکارهایی عملی برای مترجمان و پژوهشگران آینده ارائه می‌دهد.

نهج البلاغه، به عنوان یکی از برجسته‌ترین آثار ادبی و مذهبی جهان اسلام، مجموعه‌ای از خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌های امام علی (ع) است که به دلیل غنای زبانی، بلاغی و بار معنایی عمیق خود، موضوعی چالش‌برانگیز برای مترجمان به شمار می‌رود. خطبه ۱۲۸، با محتوای پیشگویانه و نصیحت‌گونه خود، به‌ویژه در توصیف حوادث آینده بصره پس از جنگ جمل، نمونه‌ای بارز از ترکیبی بی‌نظیر از سبک حماسی و معانی عمیق اخلاقی است (صبحی صالح، ۲۰۰۴، صص. ۱۸۵-۱۸۶). این پژوهش با هدف تحلیل تطبیقی دو ترجمه برجسته از این خطبه، یعنی ترجمه‌های سیدجعفر شهیدی (۱۳۷۸) و محمد مهدی دشتی (۱۳۷۹)، بر اساس مدل کارمن والرو گارسس انجام شده است. هدف اصلی، بررسی تفاوت‌های واژگانی-معنایی و سبکی-کاربردی این ترجمه‌ها و شناسایی نگرش مترجمان به متن و مخاطب است.

انتخاب ترجمه‌های شهیدی و دشتی برای این مطالعه بر اساس ویژگی‌های خاص و جایگاه ویژه آن‌ها در حوزه ترجمه نهج البلاغه صورت گرفته است. ترجمه سیدجعفر شهیدی، به دلیل وفاداری به زبان و سبک کلاسیک عربی، تأکید بر حفظ جنبه‌های بلاغی و معنایی، و تأییدیه علما و پژوهشگران، به عنوان اثری پیشگام و جامع شناخته می‌شود. این ترجمه، با تقدم زمانی در سال ۱۳۶۸، رویکردی منبع‌محور را نمایان می‌کند که اصالت متن اصلی را در اولویت قرار داده و برای مخاطبان آشنا با ادبیات کلاسیک و پژوهشگران مناسب است. از سوی دیگر، ترجمه محمد مهدی دشتی (۱۳۷۹) با رویکرد خواننده‌محور و سادگی، انطباق با زبان امروزی فارسی را هدف قرار داده و با نثری روان و قابل فهم، دسترسی مخاطب عام و غیرمتخصص را تسهیل می‌کند. این تنوع رویکردها، انتخاب این دو ترجمه را برای تحلیل تطبیقی توجیه‌پذیر کرده است، زیرا تفاوت‌های آن‌ها می‌تواند نگرش‌های متمایز مترجمان را به متن مبدأ و مخاطب مقصد روشن سازد.

مدل کارمن والرو گارسس که اولین بار در سال ۱۹۹۴ ارائه شد، چارچوبی زبان‌شناختی برای ارزیابی کیفیت ترجمه است که ترجمه را به چهار سطح اصلی تقسیم می‌کند: (۱) سطح واژگانی-معنایی که بر معادلیابی دقیق واژگان، حفظ تعادل فرهنگی بین زبان مبدأ و مقصد، استفاده از بسط یا قبض برای رفع ابهامات، و انتقال صحیح مفاهیم و اصطلاحات تخصصی تمرکز دارد و برای متون دینی و ادبی با واژگان پیچیده، مانند نهج البلاغه، اهمیت ویژه‌ای دارد؛ (۲) سطح نحوی-واژه‌ساختاری که به بررسی ساختارهای دستوری، ترتیب کلمات، و انسجام نحوی در ترجمه می‌پردازد و اطمینان می‌دهد قواعد دستوری زبان مقصد رعایت شود؛ (۳) سطح گفتمانی-کاربردی که بر حفظ کارکردهای گفتمانی، مانند نیت نویسنده، لحن، و تأثیرگذاری بر مخاطب، و نقش متن در بافت فرهنگی

مقصد تمرکز دارد؛ و ۴) سطح سبکی-کاربردی که به انتقال ویژگی‌های بلاغی و زیبایی‌شناختی، مانند صور خیال (سجع، استعاره، و تشبیه)، ریتم کلام، و نثر موزون می‌پردازد و برای متون ادبی با سبک پیچیده حیاتی است. (Valero-Garcés, ۲۰۰۸) این پژوهش بر سطوح واژگانی-معنایی و سبکی-کاربردی تمرکز دارد، زیرا خطبه ۱۲۸ با زبان فصیح و بلاغی خود نیازمند حفظ معانی دقیق واژگان و ویژگی‌های سبکی متن اصلی است، که این سطوح برای متون دینی با بار معنایی و سبکی بالا، ابزار مناسبی فراهم می‌کنند.

این پژوهش از نوع کیفی و توصیفی-تحلیلی است. داده‌ها از متن اصلی نهج‌البلاغه (ویرایش صبحی صالح) و ترجمه‌های سیدجعفر شهیدی و محمد مهدی دشتی گردآوری شده‌اند. روش تحقیق شامل تقسیم متن خطبه ۱۲۸ به چهار بخش محتوایی بر اساس محتوا (پیشگویی قیام و وصیف سپاه، وصیف ویرانی و حمله، وصف سپاه و کشتار، و نفی علم غیب و تبیین آن) است. تحلیل تطبیقی بر اساس سطوح واژگانی-معنایی و سبکی-کاربردی مدل گارسس و جداول تطبیقی برای ارائه مقایسه نظام‌مند داده‌ها استفاده شده است. بخش‌بندی متن با هدف تطبیق دقیق‌تر تحلیل‌ها با محتوای هر قسمت طراحی شده است. متن عربی خطبه ۱۲۸ بر اساس ویرایش صبحی صالح (صبحی صالح، ۲۰۰۴، صص. ۱۸۵-۱۸۶). مورد بررسی قرار گرفته است.

خطبه مورد بررسی در سال ۳۶ هجری پس از جنگ جمل در بصره ایراد شده است. ابن‌ابی‌الحدید در شرح خود بر نهج‌البلاغه، خطبه ۱۲۸ را به عنوان پیشگویی امام علی (ع) از حوادث آینده بصره تفسیر می‌کند و آن را خطاب به احنف بن قیس بیان می‌دارد. وی به توصیف لشکرکشی صاحب زنج با ارتشی بی‌غبار و بی‌صدا پرداخته و ویرانی شهر با کاخ‌های مزین و لوله‌کشی‌های عظیم را برجسته می‌سازد. وی همچنین به بی‌ارزشی مردمی که کشته‌هایشان ناشناخته و غایبانشان بی‌اهمیت‌اند اشاره کرده و این پیشگویی را بر اساس علم لدنی امام (ع) تفسیر می‌نماید (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۳۷۸، ج. ۸، صص. ۱۲۸-۲۴۳). ابن‌میثم بحرانی در شرح خطبه ۱۲۸ بر آن تأکید می‌ورزد که امام (ع) با توصیف خود به عنوان کاهل و قاضی دنیا و ناظر به چشم آن، بر علم لدنی و تعلیم از پیامبر (ص) دلالت دارد و علم غیب را منحصر به خداوند می‌داند، (ابن‌میثم بحرانی، ۱۳۷۸، ج. ۳، صص. ۱۲۸-۱۳۲). که به آیه ۳۴ سوره لقمان اشاره دارد که می‌فرماید: إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ، وَيُنَزِّلُ الْغَيْثَ، وَيَعْلَمُ مَا فِي الْوَحْشِ، وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ مَّاذَا تَكْسِبُ غَدًا، وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ بِأَيِّ أَرْضٍ تَمُوتُ^۲ (مکارم شیرازی، ۱۳۸۸، ج. ۶، صص. ۲۴۹-۲۲۱)

^۲ لقمان، آیه ۳۴.

بخش ۱: پیشگویی قیام و وصف سپاه

- **يَا أُحَنَفُ^۳، كَأَنِّي بِهِ وَقَدْ سَارَ بِالْجَيْشِ الَّذِي لَا يَكُونُ لَهُ غُبَارٌ وَلَا لَجَبٌ وَلَا قَعْقَعَةٌ لُجْمٌ وَلَا حَمَحَمَةٌ خَيْلٌ، يُثِيرُونَ الْأَرْضَ بِأَقْدَامِهِمْ كَأَنَّهَا أَقْدَامُ النَّعَامِ.** (صبحی صالح، ۲۰۰۴، صص. ۱۸۵-۱۸۶).
- ترجمه شهیدی: ای احنف، گویا او را می‌بینم با ارتشی به راه افتاده که نه غبار دارد و نه هیاهو، و نه صدای افسارها و نه شیهه اسبان. زمین را زیر پای خود زخم می‌زنند، همان گونه که چهارپایان زمین ناهموار را زخم می‌زنند. (شهیدی، ۱۳۷۸، صص. ۱۲۶-۱۲۷).
- ترجمه دشتی: ای احنف! گویا او را می‌بینم که با لشکری بدون غبار و سر و صدا، و بدون صدای دهنه اسبان، و شیهه اسب‌ها به راه افتاده است. زمین را با قدم‌های خود زخم می‌زنند، همان گونه که چهارپایان زمین ناهموار را زخم می‌زنند. (دشتی، ۱۳۷۹، صص. ۲۴۳-۲۴۵).

جدول تطبیقی بخش ۱

سطح تحلیل	شهیدی	دشتی
واژگانی-معنایی	"-غُبَارٌ" = "غبار"، دقیق و وفادار به متن عربی - "لَجَبٌ" = "هیاهو"، اصطلاح ادبی و کلاسیک - "قَعْقَعَةُ لُجْمٍ" = "صدای افسارها"، مختصر و دقیق - "حَمَحَمَةُ خَيْلٍ" = "شیهه اسبان"، بدون تفاوت - "يُثِيرُونَ الْأَرْضَ بِأَقْدَامِهِمْ" = "زیر پای خود زخم می‌زنند"، تصویر چهارپایان زمین ناهموار برای حفظ بلاغت متن	"-غُبَارٌ" = "غبار و سر و صدا"، بسط معنایی برای القای هیاهو - "لَجَبٌ" = "سر و صدا"، روان و نزدیک به زبان امروز - "قَعْقَعَةُ لُجْمٍ" = "صدای دهنه اسبان"، ملموس‌تر - "حَمَحَمَةُ خَيْلٍ" = "شیهه اسبان"، بدون تفاوت - "يُثِيرُونَ الْأَرْضَ بِأَقْدَامِهِمْ" = "زخم می‌زنند"، ساده و مستقیم

^۳ مخاطب آن بزرگوار احنف است و آن لقب صخر ابن قیس ابن معاویه از قبیله بنی تمیم و از اهل بصره که کُتبه او ابو بحر و از بزرگان اصحاب امیر المؤمنین و رئیس بنی تمیم بوده است. (فیض الاسلام، ۱۳۶۸، ج ۲، ص ۳۹۶)

جمع‌بندی و مقایسه	شهیدی با انتخاب واژگان دقیق و کلاسیک، وفاداری به متن عربی را حفظ کرده است. دشتی با بسط معنایی و سادگی، متن را برای مخاطب امروزی قابل فهم کرده است. هر دو در "شیهه اسبان" یکسان عمل کرده‌اند، اما تفاوت در ترجمه "زیر پای خود زخم می‌زنند" نشان‌دهنده تأکید شهیدی بر بلاغت و دشتی بر وضوح است.
سبکی- کاربردی	-لحن کلاسیک و رسمی، حفظ ریتم "لا... لا... لا..."- استفاده از واژگان ادبی و تصویرسازی بلاغی برای القای وقار و شدت قیام -روان و قابل فهم، ساده و نزدیک به گفتار روزمره- حفظ معنا بدون پیچیدگی بلاغی و تمرکز بر فهم سریع مخاطب
جمع‌بندی و مقایسه	شهیدی با لحن رسمی و ریتم بلاغی، وقار متن اصلی را حفظ کرده است. دشتی با نثر ساده و روان، دسترسی آسان‌تر برای مخاطب مدرن فراهم می‌کند. این تفاوت، نگرش منبع‌محور شهیدی و هدف‌محور دشتی را برجسته می‌کند.

• تحلیل واژگانی-معنایی:

شهیدی با انتخاب واژگان دقیق و کلاسیک مانند "غبار" و "هیاهو"، اصالت زبانی و معنایی متن عربی را حفظ کرده است. تصویرسازی بلاغی در "زیر پای خود زخم می‌زنند" عمق ادبی متن را منتقل می‌کند. دشتی با بسط معنایی در "غبار و سر و صدا" و "سر و صدا"، سعی کرده است فهمی ملموس‌تر و نزدیک به زبان روزمره ارائه دهد. ترجمه "صدای دهنه اسبان" به جای "صدای افسارها" نشان‌دهنده تلاش دشتی برای انطباق با درک بصری مخاطب است. هر دو مترجم در ترجمه "حَمَحَمَهُ خَيْلٌ" به "شیهه اسبان" یکسان عمل کرده‌اند، نشان‌دهنده توافق بر معادل پذیرفته‌شده است.

• تحلیل سبکی-کاربردی:

شهیدی با حفظ ریتم "لا... لا... لا" و استفاده از لحن رسمی، ساختار بلاغی و وقار متن اصلی را تقویت کرده و شدت پیشگویی قیام را برجسته می‌سازد. دشتی با نثر روان و ساده، پیچیدگی بلاغی را کاهش داده و فهم سریع برای مخاطب عام را اولویت داده است.

بخش ۲: وصف ویرانی و حمله

- ثُمَّ قَالَ (ع): وَيْلٌ لِّسَكِّكُمْ الْعَامِرَةَ وَالدُّورِ الْمَزْخَرَةَ الَّتِي لَهَا أَجْنَحَةٌ كَأُجْنَحَةِ النُّسُورِ وَخَرَاطِيمٌ كَخَرَاطِيمِ الْفِيلَةِ، مِنْ أُولَئِكَ الَّذِينَ لَا يُنْدَبُ قَتِيلُهُمْ وَلَا يُفْقَدُ غَائِبُهُمْ. (صبحی صالح، ۲۰۰۴، صص. ۱۸۵-۱۸۶).
- ترجمه شهیدی: سپس فرمود: وای بر خیابان‌های پررونق و خانه‌های زینت‌داده شما که دارای بال‌هایی مانند بال‌های عقاب و خرطوم‌هایی مانند خرطوم‌های فیل است، از آن کسانی که کشته‌شان را نخواهند گریست و غائبشان را نخواهند یافت. (شهیدی، ۱۳۷۸، صص. ۱۲۶-۱۲۷).
- ترجمه دشتی: سپس فرمود: وای بر خیابان‌های پررونق و خانه‌های زینت‌داده شما که دارای بال‌هایی مانند بال عقاب و خرطوم‌هایی مانند خرطوم فیل است، از آن کسانی که کشته‌شان را نمی‌گیرند و غائبشان را یابای نمی‌کنند. (دشتی، ۱۳۷۹، صص. ۲۴۳-۲۴۵).

جدول تطبیقی بخش ۲

سطح تحلیل	شهیدی	دشتی
واژگانی - معنایی	"-سکککم العامرة" = "خیابان‌های پررونق"، دقیق و وفادار به متن عربی - "الدور المزخرفة" = "خانه‌های زینت‌داده"، حفظ اصطلاحات - "أجنحة" = "بال‌های"، بسط معنایی برای تصویر واضح - "خراطیم" = "خرطوم‌های"، دقیق و کلاسیک - "لا یندب" = "نخواهند گریست"، لحن رسمی و ادبی	"-سکککم العامرة" = "خیابان‌های پررونق"، بدون تغییر - "الدور المزخرفة" = "خانه‌های زینت‌داده"، بدون تغییر - "أجنحة" = "بال عقاب"، ساده و مستقیم - "خراطیم" = "خرطوم‌هایی مانند خرطوم فیل"، قابل فهم - "لا یندب" = "نمی‌گیرند"، ساده و روان

جمع‌بندی و مقایسه	شهیدی با حفظ واژگان کلاسیک و بسط معنایی، تصاویر خانه‌ها و خیابان‌ها را دقیق و هنری منتقل کرده است. دشتی با ساده‌سازی واژگان و عبارات، متن روان و قابل فهم برای مخاطب امروز ارائه داده است. هر دو پیام هشدار و ویرانی را منتقل می‌کنند، اما شهیدی بر زیبایی‌شناسی و دشتی بر وضوح تمرکز دارد.
سبکی - کاربردی	-لحن رسمی و هشدارآمیز، حفظ زیبایی‌شناسی و ریتم- القای تهدید و ویرانی از طریق تصاویر بلاغی -نثر روان و ساده، تمرکز بر فهم سریع مخاطب- پیام هشدار حفظ شده، اما پیچیدگی بلاغی کاهش یافته
جمع‌بندی و مقایسه	سبک شهیدی به وفاداری به متن و زیبایی‌شناسی کمک می‌کند، در حالی که سبک دشتی باعث فهم سریع و دسترسی آسان مخاطب مدرن می‌شود. تفاوت‌ها نشان‌دهنده رویکرد منبع‌محور شهیدی و هدف‌محور دشتی است.

• تحلیل واژگانی-معنایی:

شهیدی با حفظ واژگان کلاسیک و اصطلاحات دقیق مانند "بال‌های عقاب" و "خرطوم‌های فیل"، تصویر خیابان‌ها و خانه‌ها را به صورت هنری و دقیق منتقل کرده است. دشتی با ساده‌سازی واژگان، وضوح بیشتری ایجاد کرده و مخاطب امروز را مدنظر قرار داده است. پیام هشدار و ویرانی در هر دو ترجمه حفظ شده است.

• تحلیل سبکی-کاربردی:

شهیدی با لحن رسمی و تصویرسازی‌های بلاغی، شدت هشدار و ویرانی را برجسته کرده و زیبایی‌شناسی متن را حفظ می‌کند. دشتی با نثر روان و ساده، فهم سریع و قابل دسترس مخاطب مدرن را اولویت داده و پیچیدگی بلاغی را کاهش داده است.

بخش ۳: وصف سپاه و کشتار

- اَنَا كَابُ الدُّنْيَا لَوَجْهَهَا وَ قَادِرُهَا بِقَدَرِهَا وَ نَاضِرُهَا بِعَيْنِهَا. كَأَنِّي أَرَاهُمْ قَوْمًا كَأَنَّ وُجُوهَهُمُ الْمَجَانُ الْمَطْرَقَةُ يَلْبَسُونَ السَّرَقَ وَ الدِّيَابَجَ وَ يَعْتَقِبُونَ الْخَيْلَ الْعِتَاقَ وَ يَكُونُ هُنَاكَ اسْتِحْرَارُ قَتْلِ حَتَّى يَمْشِيَ الْمَجْرُوحُ عَلَى الْمَقْتُولِ وَ يَكُونُ الْمُفْلِتُ أَقْلَ مَنْ الْمَأْسُورِ. (صبحی صالح، ۲۰۰۴، صص. ۱۸۵-۱۸۶).

- ترجمه شهیدی: منم که دنیا را به روی زمین می‌افکنم و آن را به اندازه‌اش مهار می‌کنم... گویا آنان را می‌بینم مردمانی که چهره‌هایشان چون سپرهای کوبیده است، جامه‌های ابریشمی و دیبا پوشیده‌اند و بر اسبان نجیب سوارند، و کشتاری سخت درگیر است تا آن‌جا که زخمی بر کشته پا می‌نهد و گریخته کمتر از اسیر است. (شهیدی، ۱۳۷۸، صص. ۱۲۶-۱۲۷).

- ترجمه دشتی: من دنیا را به روی آن می‌افکنم و به اندازه‌اش مهار می‌کنم... گویا آنان را می‌بینم که چهره‌هایشان چون سپرهای کوبیده است، لباس‌های حریر و دیبا پوشیده‌اند و بر اسبان نجیب سوارند، و کشتاری سخت برپا شود تا آن‌جا که مجروح بر کشته پا می‌گذارد و گریخته کمتر از اسیر است. (دشتی، ۱۳۷۹، صص. ۲۴۳-۲۴۵).

جدول تطبیقی بخش ۳

سطح تحلیل	شهیدی	دشتی
واژگانی- معنایی	"-المجان المطرقة" = "سپرهای کوبیده"، دقیق و کلاسیک- "السرق" = "ابریشمی"، معادل عام و ادبی- "استحارار قتل" = "کشتاری سخت"، شدت فاجعه را منتقل می‌کند- وفاداری به جزئیات لباس و ابزار جنگی، تصویرسازی دقیق	"-المجان المطرقة" = "سپرهای کوبیده"، بدون تغییر- "حریر" = "حریر"، معادل خاص و نزدیک به مخاطب امروز- "استحارار قتل" = "کشتاری سخت"، ساده و قابل فهم- برخی جزئیات لباس و شدت فاجعه کمتر تشریح شده

جمع‌بندی و مقایسه	شهیدی با انتخاب واژگان کلاسیک و دقیق، شدت و وقار کشتار و جزئیات سپاه را حفظ کرده است. دشتی با ساده‌سازی واژگان و جزئیات، متن روان و قابل فهم برای مخاطب امروزی ارائه کرده است. هر دو تصویر کلی سپاه و خشونت را منتقل کرده‌اند، اما شهیدی بر جنبه‌های ادبی و دشتی بر وضوح تمرکز کرده است.
سبکی- کاربردی	-لحن رسمی و سنگین، تقویت احساس خشونت و هیبت سپاه- ریتم و تصاویر بلاغی حفظ شده -نثر روان و امروزی، کاهش پیچیدگی بلاغی- انتقال معنی و شدت کشتار بدون لحن کلاسیک پیچیده
جمع‌بندی و مقایسه	سبک شهیدی به حفظ زیبایی‌شناسی و وقار متن کمک می‌کند، در حالی که سبک دشتی باعث فهم آسان و دسترسی سریع مخاطب مدرن می‌شود. تفاوت‌ها بازتاب دو رویکرد منبع‌محور و هدف‌محور است.

• تحلیل واژگانی-معنایی:

شهیدی با حفظ واژگان کلاسیک مانند "ابریشمی" و اصطلاحات ادبی، جزئیات لباس و ابزار جنگی را دقیق و کامل منتقل کرده است. دشتی واژگان را ساده و روان کرده، بعضی جزئیات مانند نوع لباس و شدت خشونت را کمتر تشریح کرده است. با این حال هر دو مترجم تصویر کلی سپاه و خشونت کشتار را به خوبی منتقل کرده‌اند.

• تحلیل سبکی-کاربردی:

شهیدی با لحن سنگین و رسمی، حس هیبت و خشونت سپاه را تقویت کرده و زیبایی‌شناسی متن را حفظ کرده است. دشتی با نثر روان، فهم سریع و ساده را اولویت داده است و پیچیدگی بلاغی متن را کاهش داده است.

بخش ۴: نفی علم غیب و تبیین آن

- ...فَقَالَ لَهُ بَعْضُ أَصْحَابِهِ لَقَدْ أُعْطِيَ... فَضَحِكَ (ع) وَ قَالَ... لَيْسَ هُوَ بِعِلْمِ غَيْبٍ وَإِنَّمَا هُوَ تَعَلَّمَ مِنْ ذِي عِلْمٍ... فَهَذَا عِلْمُ الْغَيْبِ الَّذِي لَا يَعْلَمُهُ أَحَدٌ إِلَّا اللَّهُ. (صبحی صالح، ۲۰۰۴، صص. ۱۸۵-۱۸۶).
- ترجمه شهیدی: برخی از یارانش گفتند: ای امیر مؤمنان، علم غیب یافته‌ای! حضرت خندید و فرمود: ای برادر کلبی، این علم غیب نیست، بلکه دانشی است که از دانا آموخته‌ام... و علم غیب آن است که هیچ کس جز خدا نداند. (شهیدی، ۱۳۷۸، صص. ۱۲۶-۱۲۷).
- ترجمه دشتی: یکی از یارانش گفت: ای امیرمؤمنان، به تو علم غیب داده شده است! امام خندید و فرمود: ای برادر کلبی! این علم غیب نیست، بلکه دانشی است که از دانا آموخته‌ام... علم غیب همان است که تنها خدا بداند. (دشتی، ۱۳۷۹، صص. ۲۴۳-۲۴۵).

جدول تطبیقی تطبیقی بخش ۴

سطح تحلیل	شهیدی	دشتی
واژگانی - معنایی	"-لقد أعطيت" = "علم غیب یافته‌ای"، لحن ادبی و کلاسیک - "لیس هو بعلم غیب" = مشابه، وفادار به متن عربی - "إنما هو تعلم من ذی علم" = "دانشی است که از دانا آموخته‌ام"، دقیق و مفهوم‌گرا	"-لقد أعطيت" = "به تو علم غیب داده شده است"، گفتاری و روان - سایر عبارات مشابه، ساده و قابل فهم برای مخاطب مدرن
جمع‌بندی و مقایسه	شهیدی با انتخاب واژگان کلاسیک و سبک رسمی، اصالت معنایی و لحن آموزشی متن عربی را حفظ کرده است. دشتی با بیان ساده و گفتاری، متن را برای خواننده امروزی قابل فهم کرده است. هر دو ترجمه پیام اعتقادی و آموزشی را منتقل می‌کنند، تفاوت اصلی در لحن و سبک بیان است.	

سبکی- کاربرد	-لحن رسمی و آموزشی، حفظ وقار و جلال خطبه- القای شأن علمی و اخلاقی امام	-نثر روان و ساده، تمرکز بر فهم سریع مخاطب- پیام اعتقادی حفظ شده، پیچیدگی بلاغی کاهش یافته
جمع بندی و مقایسه	سبک شهیدی به وفاداری به متن و حفظ سبک آموزشی کمک می کند، در حالی که سبک دشتی باعث فهم آسان و دسترسی سریع مخاطب مدرن می شود. تفاوت ها نشان دهنده رویکرد منبع محور شهیدی و هدف محور دشتی است.	

• تحلیل واژگانی-معنایی:

شهیدی با استفاده از واژگان کلاسیک مانند "یافته ای" و اصطلاحات دقیق، اصالت معنایی متن عربی را حفظ کرده است. دشتی با ساده سازی و بیان گفتاری، فهم متن را برای مخاطب امروز افزایش داده است. هر دو پیام اعتقادی و آموزشی امام را منتقل کرده اند.

• تحلیل سبکی-کاربرد:

شهیدی با لحن رسمی و آموزشی، شأن علمی و اخلاقی امام را برجسته کرده و وقار متن را حفظ کرده است. دشتی با نثر روان و ساده، پیچیدگی بلاغی را کاهش داده و فهم سریع برای مخاطب مدرن را اولویت داده است.

تحلیل تفصیلی خطبه ۱۲۸ و مقایسه ترجمه های شهیدی و دشتی در قالب جدول صفحه بعد ارائه شده است تا یافته های واژگانی-معنایی و سبکی-کاربرد به صورت نظام مند و قابل مشاهده باشند.

سطح تحلیل و شاخص	زیرشاخه‌ها و نکات کلیدی	شهیدی	دشتی	جمع‌بندی و مقایسه
واژگانی - معنایی	معادل‌یابی واژگان و وفاداری به متن	-وفاداری کامل به متن عربی و جزئیات واژگانی - حفظ اصطلاحات سنتی و کلاسیک - بسط برخی مفاهیم برای تصویرسازی دقیق	-وفاداری کلی حفظ شده، اما بسط کمتر و تمرکز بر وضوح و فهم ساده - برخی جزئیات کمتر تشریح شده	هر دو پیام اصلی خطبه منتقل می‌شوند؛ شهیدی دقیق و کلاسیک، دشتی ساده، روان و قابل فهم برای مخاطب امروز
	تصویرسازی و جزئیات	-تصویرسازی دقیق و کامل - لباس‌ها، اسب، سپاه و کشتار با جزئیات - استفاده از استعاره‌ها و حفظ ریتم بلاغی	-تصویر مشابه اما ساده‌تر و روان‌تر - جزئیات کمتر و مستقیم‌تر - برخی استعاره‌ها کاهش یافته‌اند	شهیدی روی جزئیات و دقت معنایی تمرکز دارد، دشتی روی وضوح و فهم سریع برای خواننده امروز
سبکی - کاربردی	لحن و سبک بیان	-لحن رسمی و کلاسیک، سنگین و وقارمند - حفظ ریتم «لا... و لا...» و انسجام بلاغی	-روان و روزآمد - ساده، قابل فهم و نزدیک به گفتار روزمره - کاهش پیچیدگی بلاغی و سجع	شهیدی لحن رسمی و وقار متن را حفظ کرده، دشتی سبک روان و روزآمد برای مخاطب مدرن ارائه می‌دهد
	انتقال پیام و اثرگذاری	-شدت وقایع و کشتار به صورت هنری منتقل شده - پیام‌های اخلاقی و اجتماعی به سبک کلاسیک	-همان پیام‌ها منتقل شده - سبک ساده و روان برای مخاطب امروز - تمرکز بر شفافیت و فهم سریع پیام	هر دو پیام منتقل می‌شوند؛ شهیدی روی زیبایی‌شناسی و دشتی روی شفافیت و روان بودن تمرکز دار

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

یافته‌های این پژوهش نشان داد که در سطح واژگانی-معنایی، ترجمه سیدجعفر شهیدی (۱۳۶۸) با تأکید بر معادل‌یابی دقیق واژگان، وفاداری کامل به متن عربی و بهره‌گیری از واژگان کلاسیک و سنتی، تصویری منبع‌محور و نزدیک به سبک ادبیات عربی کلاسیک از خطبه ۱۲۸ ارائه می‌دهد؛ در مقابل، محمد دشتی (۱۳۷۹) با انتخاب رویکردی ساده و روان، جزئیات کمتری را برجسته ساخته و تمرکز خود را بر انتقال شفاف و قابل‌فهم پیام برای مخاطب امروز قرار داده است. در سطح سبکی-کاربردی نیز، شهیدی با حفظ صور خیال، ریتم بلاغی و نثر موزون، لحن رسمی و وقار متن اصلی را منتقل کرده، در حالی که دشتی با کاهش پیچیدگی‌های بلاغی و نزدیک‌کردن متن به زبان معاصر فارسی، دسترسی مخاطب غیرمتخصص را تسهیل نموده است. بنابراین، دو ترجمه مورد بررسی نشان‌دهنده دو رویکرد متفاوت به ترجمه متون دینی‌اند: یکی اصالت‌محور و دیگری مخاطب‌محور و مقایسه این دو نشان می‌دهد که درک جامع‌تر از خطبه ۱۲۸ در گرو توجه به هر دو رویکرد است، زیرا شهیدی ارزش‌های ادبی و کلاسیک متن را حفظ کرده و دشتی کارکرد ارتباطی و پیام‌رسانی آن را برای جامعه امروز برجسته می‌سازد.

با توجه به این نتایج، به مترجمان متون دینی پیشنهاد می‌شود که در کنار وفاداری به متن اصلی و حفظ ویژگی‌های بلاغی و سبکی، به نیازهای زبانی و فرهنگی مخاطب معاصر نیز توجه کنند تا ترجمه‌ای متوازن‌تر و اثرگذارتر شکل گیرد. استفاده از مدل‌های تحلیلی نظام‌مند مانند الگوی گارسس می‌تواند در دستیابی به این توازن مؤثر باشد. همچنین برای پژوهش‌های آینده، توصیه می‌شود تحلیل تطبیقی ترجمه‌های دیگر خطبه‌های نهج‌البلاغه و یا مقایسه میان ترجمه‌های فارسی و انگلیسی بر اساس سطوح نحوی-واژه‌ساختاری و گفتمانی-کاربردی انجام شود تا ابعاد گسترده‌تری از چالش‌ها و راهکارهای ترجمه متون دینی آشکار شود و در حوزه آموزش ترجمه، گنجاندن واحدهای آموزشی با تمرکز بر تحلیل سبک و واژگان متون کلاسیک، دانشجویان و مترجمان آینده را برای مواجهه با این نوع متون آماده‌تر سازد.

منابع

- ابن ابی الحدید، ع. (۱۳۷۸). شرح نهج البلاغه (ج ۸، صص ۱۲۸-۲۴۳). انتشارات اسماعیلیان.
- ابن میثم بحرانی، ک. م. (۱۳۷۸). شرح نهج البلاغه (ج ۳، صص ۱۲۸-۱۳۲). انتشارات دارالثقلین بیروت.
- احمدی بیغش، خ.، قمرزاده، م. (۱۴۰۰). بررسی حسن تعبیر برگزیده نهج البلاغه بر اساس سطح دوم مدل گارسس (مطالعه موردی: ترجمه فیض الاسلام، شهیدی، دشتی، جعفری، انصاریان، مکارم شیرازی). مجله مطالعات ادبی متون اسلامی، ۳۱ (زمستان ۱۴۰۰)، صص. ۱۱۷-۱۳۴.
- دشتی، م. (۱۳۷۹). نهج البلاغه (صص ۲۴۳-۲۴۵). انتشارات مشهور.
- رستمی، ا. و همکاران. (۱۳۹۷). روش‌شناسی ترجمه کنایات در خطبه‌های نهج البلاغه براساس دیدگاه نیومارک (مطالعه تطبیقی ترجمه‌های آیتی، دشتی، شهیدی و مکارم). پژوهشنامه نهج البلاغه، ۶ (۲۳)، صص. ۳۷-۱۹.
- صالح، ص. (۲۰۰۴). نهج البلاغه (چاپ چهارم، صص ۱۸۵-۱۸۶). دارالکتاب اللبنانی.
- شهیدی، س. ج. (۱۳۷۸). نهج البلاغه (چاپ چهاردهم، صص ۱۲۶-۱۲۷). انتشارات علمی و فرهنگی.
- فیض الاسلام، س. ع. (۱۳۶۸). ترجمه و شرح نهج البلاغه (ص ۳۹۶). انتشارات فیض الاسلام.
- متقی‌زاده، ع.، حاجی‌خانی ع. و مدیری، س. (۱۴۰۰). ارزیابی کیفیت ترجمه حکمت‌های نهج البلاغه با تکیه بر مدل کارمن گارسس (مطالعه موردی ترجمه شهیدی و دشتی). پژوهش‌های ادبیات تطبیقی، ۹ (۲)، صص. ۵۳-۸۷.
- مسبوق، س. م.، قائمی، م. و فتحی مظفری، ر. (۱۳۹۴). تعادل واژگانی و اهمیت آن در فهم دقیق متن (موردکاوی پنج ترجمه فارسی از خطبه‌های نهج البلاغه). پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی، ۵ (۱۲)، صص. ۴۰-۱۳.
- مکارم شیرازی، ن. (۱۳۸۸). پیام امام امیرالمؤمنین (ج ۶، صص ۲۲۱-۲۴۹). انتشارات امام علی بن ابی‌طالب قم.
- Valero-Garcés, C. (۲۰۰۸). First steps in TISP research: The difficult task of breaking new ground! In C. Valero-Garcés & C. Pena (Eds.), Research and practice in public service translation and interpreting: Challenges and alliances .. Alcalá de Henares: University of Alcalá Press